

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.344971.3521>

Criteria Affecting the Physical Identity of Contemporary Architectural Buildings in Tehran (Sample Study of the Second Pahlavi Period)

Abstract

One of the most important issues and challenges facing developing societies is the physical identity of buildings and urban appearance. Cities are affected by modernity under the influence of modernity, and the concept of urban identity in the process of cognition and perception, presents us with a multidimensional and complex phenomenon. The physical identity of cities has become an influential category in city life. This dissertation follows the hypothesis that the physical identity shaping the contemporary architecture of Tehran comes out of the heart of the subject of the project and the physical identity is the result of the current conditions of society. What are the generals of Tehran? To analyze and examine the physical identity of public buildings in the city, the second Pahlavi period was selected. The research method in this research is qualitative survey and research is applied. In the second Pahlavi period, a point obtained from library analysis in public buildings of the second Pahlavi period was examined.

Keywords: Physical identity, public buildings, architecture of the second Pahlavi period

معیارهای تاثیرگذار بر هویت کالبدی معماری بناهای عمومی معاصر شهر تهران (نمونه مورد مطالعه دوره پهلوی دوم)

سیده سارا ابن الرضا^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

حمید ماجدی^۲

فرح حبیب^۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۱

چکیده

یکی از مهم ترین مسائل و چالش های پیش روی جوامع در حال توسعه، هویت کالبدی بناها و نمای شهری است. شهرها، تحت تاثیر مدرنیته دچار مشکل هویت هستند و مفهوم هویت شهری در فرآیند شناخت و ادراک، پدیده ای چند بعدی و پیچیده را پیش روی ما قرار می دهد. هویت کالبدی شهرها به مقوله ای تاثیرگذار در حیات شهر تبدیل شده است. این رساله در پی این فرضیه که هویت کالبدی شکل دهنده معماری معاصر تهران از بطن موضوع طرح بیرون می آید و هویت کالبدی حاصل و دال بر شرایط این زمانی جامعه است و پیرامون این سوال اصلی که اصول تاثیرگذار بر شکل گیری هویت کالبدی معماری معاصر بناهای عمومی شهر تهران کدامند. برای تحلیل و بررسی هویت کالبدی بناهای عمومی شهر، دوره دوم پهلوی انتخاب شد روش تحقیق در این پژوهش کیفی پیمایشی و پژوهش از نوع کاربردی می باشد و برای پاسخ به سوال پژوهش ابتدا از روش کتابخانه ای به بررسی عوامل موثر در شکل گیری هویت کالبدی در دوره پهلوی دوم بررسی سپس به نکات بدست آمده از تحلیل کتابخانه ای در بناهای عمومی دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: هویت کالبدی، بناهای عمومی، معماری دوره پهلوی دوم

^۱ دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Sebnolreza@yahoo.com
^۲ استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) majedi_h@yahoo.com
^۳ استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. frh_habib@yahoo.com

۱. مقدمه

زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی هر دوره، تعیین‌کننده فرم و شکل بناهای و تصویر ذهنی افراد تاثیر می‌باشد. ممکن است این تصاویر در فرهنگ‌ها و ادوار متفاوت، مختلف یا متضاد باشند. در دوران معاصر از یک طرف معماری گذشته ابزاری جهت ارتقا هویت کالبدی و ارتقا سیمای شهری بوده و از طرفی نوآوری در ادوار به عنوان ابزاری برای ارتقا هویت کالبدی به کار گرفته شده است. کشور ایران در حال حاضر با بحران هویت مواجه است و این مساله به این دلیل می‌باشد که افرادی که در جستجوی سده‌های گذشته هستند، تلاش میکنند تا هویت کالبدی را ایجاد یا بازیابی کنند. تقلید محض از آثار گذشته به عنوان ابزاری برای برقراری هویت کالبدی در عمل ناتوان است. امروزه تعابیر متعددی از وضعیت معماری معاصر نقل‌گردیده به یک تعبیر، معماری امروز ایران در میان گذشته و آینده معلق و به دنبال یافتن مسیر می‌باشد و این در حالی است که تقلید از آثار گذشته به تنهایی نمی‌توان ابزاری برای برقراری و تحکیم هویت کالبدی باشد لذا بررسی عوامل هویت ساز در گذشته و برقراری ارتباط با معماری روز می‌تواند به عنوان راهکاری در این امر کمک کند. در این پژوهش به بررسی هویت کالبدی بناهای عمومی در دوران پهلوی دوم پرداخته خواهد شد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان راهگشای طراحان در ایجاد تصویر ذهنی مخاطبان با توجه به عوامل موثر در هویت کالبدی قرار گیرد.

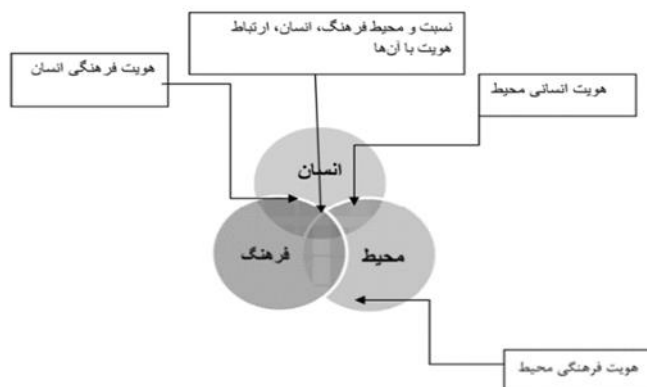
۲. هویت

یکی از مهم‌ترین چالش‌های انسان امروز در طی فرایند جهانی شدن و جهانی سازی، حفظ هویت و گریز از بحران هویت است. هویت شهرها در روابط انسان‌ها با یکدیگر و با محیط موثر است. هویت، همیشه با مراتب گوناگونی مطرح بوده است.

- بحران هویت اساساً بحثی است متعلق به جامعه‌ای که تفکر «مدرن» یا «تجددگرایی» در آن زاده شد و سپس پی‌آمدهایی داشت که با نام «پس از مدرن» در چون و چرایی‌هایی فلسفی، بحران هویت نام‌گرفت. این بحران به هویت شخصی یا همان جایگاه «خود» در زمان و مکان برمی‌گردد که از نقطه نظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بسیار بحث عمیق و گسترده‌ای است (نجفی، ۱۳۹۶، ۲۰) (الکساندر، ۱۳۸۱) (جنکز، ۱۳۸۴)
- درهم‌آمیختگی معنای هویت با تشخیص، تا حدودی به مورد اول ارتباط پیدامی‌کند. به این ترتیب سرگشتگی یا گم‌گشتگی فرد در پیوستن و گسستن در برون و درون خود نسبت به آنچه در پیرامونش می‌گذرد او را بی‌هویت یا به عبارتی بی‌تشخص می‌کند. این تصور هنگامی پدید می‌آید که مجموعه وجودی و رفتاری یک فرد دارای هیچ نوع اعتبار خاصی نبوده، هست و نیست او هیچ اثری در مدار و جریان زندگی خودش و دیگران نداشته باشد. در چنین حالتی بحث بی‌هویتی پیش می‌آید در صورتی که از نظر معنای کلمه، هر انسانی به هر ترتیب دارای «آدرس و مشخصات» است که کیستی یا هویت او را روشن می‌کند. اما اینجا مراد از به‌کاربردن هویت تنها نام و وابستگی‌های مکانی و اجتماعی یک فرد نیست، بلکه ویژگی‌های وجودی و آثار و تبعات آن‌ها مطرح است. هویت به معنای بحران تجددگرایی و هویت به معنای نداشتن تشخیص، در هر دو حالت به انسان و زندگی اجتماعی او برمی‌گردد (نجفی، ۱۳۹۶، ۲۰).

۳. هویت کالبدی

فرهنگ و محیط، هویت ساز انسان می‌باشند به نحوی که هر کدام نقش اساسی در تشکیل هویت بر عهده دارند از دیگر سو می‌توان دید که فصل مشترک هویت انسانی محیط و هویت فرهنگی انسان، هویت محیط را تشکیل می‌دهد (تقی زاده، ۱۳۸۶، ۳۵).



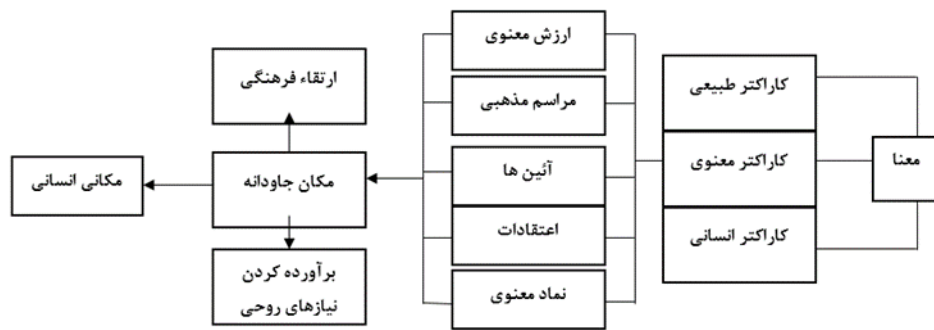
تصویر ۱: ارتباط انسان و فرهنگ و محیط و نسبت آن با هویت (تقی زاده، ۱۳۸۶، ۳۵)

هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر، در عین تداوم زمانی در حال تحول و تکامل نیز باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود (میرمقتدایی، ۱۳۹۰، ۳۵) (پیران، ۱۳۸۴).

تعلق داشتن و بستگی یافتن، که به نظر میرسد در معنای هویت پنهان است چیزی فراتر از حس آسودگی و خوش زیستی یا رفاه در یک مکان را مینمایاند. پس، صرف نظر از موقعیت تاریخی، اجتماعی، تکنولوژیکی و جغرافیایی؛ انسان‌ها همیشه به مکان نیاز خواهند داشت، زیرا برخورداری از مکان و شناسایی آن، بخشی از وجود و هویت بشر را شامل می‌شود (بوتیمر، ۱۹۸۰) (یوسفی، ۱۳۹۳). از بین نظریه پردازان قرن بیستم، کوین لینچ اولین بار با بیان واژه‌ی تصویر ذهنی در سال ۱۹۷۹، هویت محیط را سبب داشتن تصویر ذهنی روشن از آن دانست (لینچ، ۱۳۹۰). از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، پدیدارشناسانی چون فوتون (۱۹۹۷) متوجه ابعاد زیستی انسان و رابطه او با محیط شدند. تحقیقاتی که در نیمه دوم قرن بیستم توسط نظریه‌های پدیدارشناسانه نوربرگ شولتس و هایدگر^۳ و هوسرل^۴ تقویت شد (بنتلی، ۱۳۸۲). (راپاپورت، ۱۹۸۳).

نوربرگ شولتس «از دست رفتن مکان» در دوران جدید را با هویت زدایی برابر می‌دانست. از نظر وی، مکان تجلی آشکار «زیست جهان» است. وی فهم معماری چونان «هنر مکان» را بدان معنا می‌دانست که، آثار منفرد دست در دست یکدیگر داده تا کلیتی را تشکیل دهند، که به تک تک آنها معنا ببخشد. در نظر وی «عرف معماری» ریشه‌ای برای سبک آن می‌باشد (نوربرگ شولتس، ۲۰۱۵). (قاسمی، ۱۳۹۳).

Buttimer
^۳Kevin Andrew Lynch
^۴Martin Heidegger
^۵Edmund Husserl
^۶Norberg-Schulz



تصویر ۲: شکل گیری معنا و ایجاد هویت مکانی (پورجعفر، ۱۳۸۷)

۳. عوامل کالبدی هویت مندی در بناهای عمومی

با توجه به این نکته که بناهای عمومی، هم بنا محسوب می شوند و هم بخشی از بافت شهری هستند ویژگی‌های کیفی کالبدی که به هویت مندی این مکان‌ها می‌انجامد شامل ویژگیهایی چون نفوذپذیری، تمرکز، سازگاری و انعطاف پذیری، خوانایی، تضاد، تاکید، توجه به مقیاس انسانی، قابل قرائت بودن میراث‌های گذشته می باشد (امین زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

- نفوذ پذیری
- تمرکز
- سازگاری و انعطاف پذیری
- خوانایی و وضوح
- تضاد
- تاکید توجه به مقیاس انسانی (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۳۱)



تصویر ۳:

عوامل کالبدی هویت مندی در بناهای عمومی

۴. معماری دوره پهلوی دوم

جو غالب معماری ایران در دوره پهلوی اول در پی سه جریان معماری بود: معماری اواخر قاجار، مدرنیسم و سبک نئوکلاسیک، باستان گرا (سبک ملی). این جریانات در در دوره پهلوی دوم، به یک جریان غالب و تاثیر گذار معماری مدرن تبدیل شد. معماری مدرن شکل گرفته در این دوره عموماً از مجرای کارهای معماران و اندیشه های جریان ساز اروپا از جمله سبک بین المللی مدرسه باوهاس، کارهای لوکوربوزیه، فرانک لوید رایت، ریچارد نویترا، آلوار التو، و غیره حمایت می شد. و حاصل آن شکل جدید معماری مدرن ایرانی بود که با عنوان شبه مدرنیستی نام گذاری شد. جریانی موازی با جو غالب معماری مدرن در ایران شکل گرفت، که عمدتاً از طریق معماران تحصیل کرده ایرانی در خارج از کشور و فارغ التحصیلان دانشگاه تهران حمایت می شد، بین دهه های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی بود، که شدیداً تحت تاثیر جریانات روشنفکری ایران دهه های مذکور بود. البته نباید این نکته را فراموش کرد که جریان شکل گرفته در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی معماری ایران، همان معماری مدرنی بود که در بین سبک «بین المللی» و «بوم گرایی» وطنی پدیدار شده بود. اکثر تالیفات وطنی این جریان را تحت تاثیر اندیشه و مباحث مطرح شده ی اروپای بعد از مدرن، عمدتاً مباحث مطرح شده در «پست مدرن» میدانند.

دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را میتوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران دانست. این دوران، اوج گرمی بازار «بوم گرایی» و «تاریخ گرایی» در محافل علمی کشور بود و عمدتاً از دو عامل مهم حمایت میشد: عامل اول: محدودیت هایی در زمینه های سیاسی و آزادی بیان که از اواسط دهه ۱۳۴۰ خورشیدی اعمال شد، سبب شد روشنفکرانی که

در عرصه های هنری علمی و غیره فعالیت دارند به صورت غیر مستقیم و با الگو برداری از همین روش در غرب با حکومت مقابله کنند. عامل دوم اینکه موفقیت جنبش های جهان سوم در مقابله با قدرت های غربی، خود، انگیزه قدرتمندی برای این گروه از روشنفکران در ادامه راه و اصرار بر گفتما نشان فراهم آورده بود. در این دوران اندیشمندان بزرگی در تفکرات معماران ایفای نقش میکردند، یکی از بزرگترین آنها سید حسین نصر می باشد، که یک فیلسوف سنت گرای معاصر می باشد. نصر با طرفداری از حکمت خالده از دو عالم سخن میگوید. (تحولات معماری و ساختمانی در ایران ۹۷-۱۰۷-۳)

یک عالم سنت و دیگری عالم تجدد که مغایر با یکدیگرند. او به دنبال از میان بردن عالم تجدد و احیای سنت است. نصر یک متفکر دینی است که تالش دارد با توجه به اعتقادات اسلامی خود یک نظام فکری دینی را جایگزین عالم تجدد کند. هرچه گفتمان نصر در تحلیل مدرنیته بیشتر به نقاط ضعف آن اشاره دارد، اما با تفکیک مدرنیسم از مدرنیته، تا حدودی اقتضائات دوران جدید را می پذیرد. به این معنی که جهان بینی عالم تجدد یعنی مدرنیسم را نفی می کند، اما دستاوردهای فنی و تمدنی آن را می پذیرد (تفکر حسین نصر)

معماری نیز از این بوم گرایی عرفان مصون نماند، و کتاب حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایران از زمره این گرایش ها است. این کتاب بسیار شدید تحت تاثیر اندیشه های سید حسین نصر، توسط نادر اردلان و الله بختیار به چاپ رسیده است. اردلان و بختیار، در مفاهیم عرفانی نصر گرفتار شده بوده اند و به دنبال یافتن حکمت از همه عناصر معماری می باشند. آن چه بر همگان مشخص است، بخشی از عناصر کالبدی و ساختاری معماری بر اساس ضرورت تاریخی و تحول فناوری شکل گرفته است (زمان فضا و معماری، معمار ۲۳) به عنوان نمونه، فرم و ساختار گنبد یک فناوری سازه ای است که بدون استثنا در تمام تمدن هایی که امکان د ستر سی به چوب را نداشتند، مثل تمدن بین النهرین، اتروسک و روم این تکنیک قابل مشاهده است و یا فضاهای اندرونی و بیرونی شکل گرفته در معماری ایرانی یک نیاز کارکردی و یک مفهوم پیچیده ی فرهنگی اجتماعی است و به نظر می رسد نادیده گرفتن کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و از همه مهمتر اقلیم راه به جایی نمیرسد.

در دوران پهلوی دوم دو همایش بین المللی در ایران برگزار شد که در آن دو موضوع «بررسی امکان پیوند معماری سنتی، با شیوه نوین ساختمان»، و دیگری «نقش معماری و شهر سازی در کشورهای در حال صنعتی شدن»، برگزار گردید. همایش اول بخاطر حضور لویی کان، پر بارتر از همایش دوم، برگزار شد. در این همایش تلفیق مفاهیم سنتی با تکنولوژی « مطرح شد. در این همایش لویی کان با ارائه بحث های مهمی حول محور « ی مدرن مفاهیم فلسفی و شاعرانه خود از معماری، تاثیر عجیبی بر معماران ایرانی گذاشت. (مجله معمار) ظهور لویی کان یکی از شگفت انگیز ترین پدیده ها در معماری مدرن ایران است. او در میان معماران نسل خود این باور را زنده کرد که معماری یک هنر است: هنری که با آن میتوان ارزش های گوهری وجود را بیان کرد. معماری در این دوران به معماران اکادمیک رسید، معمارانی که در کشورهای غربی تحصیل کرده و یا در دانشکده هنرهای

زیبا تهران به صورت اکادمیک معماری را فرا گرفته بودند، و از تاثیرات تفکر معمارانی چون لویی کان بهره گرفته بودند. افرادی مانند وارطان هوانسیان، محسن فروغی و علی اکبر صادق، در پی خلق زبان معماری معاصر ایران بودند (امیر بانی مسعود، معماری معاصر ایران) ساخت و سازهای فعلی معماری ایران، متوجه عدم ارتباط مناسب با گذشته و پیشینه معماری زمان حال می شویم

به طور کلی معماری ایران را در این دوران معاصر می توان به چند دوره تقسیم کرد:

آثار مهم معماری در دوره اول (سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰) که پهلوی اول بر ایران حاکم بود عمدتاً توسط حکومت ایجاد شدند توجه به معماری گذشته به صورت تکرار سطحی و ظاهری بناهای معماری ایران به خصوص در دوره های قبل از اسلام یعنی هخامنشی و ساسانی ظاهر می شد و این امر از خود بزرگ بینی حکومت ایران در آن زمان ناشی می شد که خود را وارث امپراتوریهای با عظمت گذشته ای می دانست بدین ترتیب ساختمانهای دولتی و بناهای عمومی که نمود تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر فضاها و میادین جای گرفتند که از ویژگیهای فضای شهری نئوکلاسیک بهره داشتند. در کنار این آثار کارهای معماری دیگری نیز بودند که به صورت التقاطی عناصری از معماری ایران بعد از اسلام را با عناصر وام گرفته شده از معماری اروپایی و در هم آمیخته بود به هر حال این آثار از نظر معماری منحنی و فاقد ارزش بودند از آن جمله بانک ملی شهربانی، پست و تلگراف و تلفن. بعد از جنگ جهانی دوم ایران آرام آرام به سوی شهر نشینی مدرن روی آورد. احداث خیابانهای سراسری و شبکه جدولی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی کرد و قطعات مالکیت منظم و مستطیل شکل بوجود آورد با این تغییرات در شکل شهر به دوران معماری درون گرا با حیاط مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدید از یکدیگر روی آوردند و مسکن جدید از جانب از جانب گروه اجتماعی محدود و روشنفکر آن زمان ساخته می شد که می خواستند با آداب زندگی فرهنگی زندگی کنند بخصوص در تهران این افراد متمکن متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجاری شهر (بازار و محله اطراف) شدند و به تدریج خانه های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند. در اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین و نبودن یک ساخت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات بزرگ زمین موجب شد که محله های جدید تهران به صورت یک استخوان بندی شهری بلکه پیرو الگوی شبیه به حومه شهرهای آمریکا شکل گیرند. در واقع باید پذیرفت پس از به وجود آمدن محورهایی مانند خیابان امام خمینی و فردوسی و انقلاب مکانهای شهری موفق که قادر باشند مرکزیت و خصوصیات ویژه ای برای تهران تامین کنند بوجود نیامد. مرکز شهر در محدوده ای که بین دو جمگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کرد. در جریان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز معماری تهران با مسئله تک خانه روبرو بود تکخانه ای که هیچگونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود در برابر خود نداشت.

از سالهای ۱۳۲۰ به بعد سیاست ایجاد فعالیت ساختمانی در شهرها جهت بالا بردن اشتغال از اولویت خاص برخوردار شد. فعالیتهای ساختمانی مربوط به منازل توسط خود مردم ضرورت میگرفت لیکن فعالیتهای ساختمانی به عهده مشاوران خارجی یا آرشیتکتهای ایرانی فرنگ رفته انجام می گرفت که این گروه با انجام این کارها فرصتی یافتند تا افکار جدید خودشان را پیاده نمایند. معهدا آنچه به صورت حاوی تا قبل از فعالیت این گروه و حتی در اوائل فعالیت این معماران مشاهده می شود وجود راه حل‌های جدید معماری در رابطه با تحولات موجود و رواج تقلیدهای صرف و بی محتوا از معماری دوران گذشته بود ولی رفته رفته رویکرد دیگری به معماری گذشته ایران روی آورد که از کیفیت بهتری برخوردار بود و صرفا به تقلید عناصر معماری گذشته ایران نمی پرداخت و کوشش می کرد که از عناصر معماری ایران به صورت سمبلیک (نمادین) استفاده کند و به جای تقلید عناصر این معماری از هندسه آن استفاده کند لکن نتایجی که این دوره معماری به دست داد نیز ارزش مهمی نبوده و ره به جایی نبرد. وارتان دیگر از نخستین معماران تحصیلکرده ایران در سال ۱۳۲۵ در مجله آرشیتکت این گونه اظهار می کند:

«راجع به مبارزه بین نسل جدید و قدیم باید گفت که این مبارزه در کلیه شئون زندگی و در هر موقع وجود داشته و خواهد داشت و انتخاب راه درست از این میان و انتخاب معماری مدرن و یا معماری سنتی فقط با در نظر گرفتن تمام عوامل موثر در معماری امکان پذیر می باشد با توجه به پیشرفتهائی که از نظر مصالح ساختمانی، اسلوب بناسازی، رعایت تناسب و اصل هماهنگی شکل ظاهری حجم دیوارها و ضخامت دیوارها صورت گرفته و شرایط فوق در حال حاضر تفاوت یافته است پذیرفتن عوامل فوق در معماری عصر حاضر درست به نظر نمی رسد این عصر ما را به تکاپو و امید دارد و اثرات آن در تمام شئون پیداست. در عین حال استفاده از اسلوب قدیم و مدرن نشان دادن آن توسط تزئینات زائد نیز مضحک می باشد و در صورت ادامه این روش می توان گفت که ما روح این قرن را نفهمیده ایم. در مورد اسلوب فعلی ساختمان می توان گفت که در پیدایش این اسلوب غیر از عوامل فرهنگی و زندگی اجتماعی پیشرفت صنعت و ظهور مصالح ساختمانی جدید از قبیل آهن و سیمان موثر بوده اند و استعمال سیمان در عمارت بتن آرمه کمک زیادی در به حقیقت پیوستن اسلوب جدید معماری نموده است از نمونه کارهائی که با این شیوه در این دوره انجام گرفته می توان هنرستان دختران (کاروارطان) را نام برد».

۴-۱. زمینه ها و عوامل موثر بر دگرگونی معماری در دوره معاصر

عوامل موثر بر تحول و دگرگونی معماری در دوره معاصر به طور کلی در دسته‌های زیر قابل بررسی است:

-بروز نیازهای جدید و کارکردهای نو در معماری

-زمینه های اجتماعی و فرهنگی

-زمینه های تاریخی و سیاسی

-زمینه های فنی و تکنولوژیک

-زمینه های اقتصادی و اجرایی

- تاثیرات معماران و آموز معماری (کیانی، ۱۳۸۳)

در دوره پهلوی دوم، معماری مدرن به جریان غالب و تاثیرگذار معماری ایران تبدیل می شود. معماری مدرن شکل گرفته در این دوره عمدتاً از مجرای کارهای معماران و اندیشه های جریان ساز اروپا از جمله مدرسه باهاوس کارها و اندیشه های لوکوربوزیه، فرانک لوید رایدر، ریچارد نیوترا، آلوار آلتو، جمیز استرلینگ و... حمایت می شد و ماحصل آن صورت ایرانی معماری مدرن بود که با عنوان معماری "شبه مدرنیستی" نامگذاری گردید. جریانی موازی با جو غالب معماری مدرن ایران که عمدتاً از طریق تحصیل کرده های ایرانی چه در داخل و چه در خارج حمایت می شد، بین دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی شکل گرفت، که شدیداً تحت تاثیر جو جریانات روشنفکری ایران در دهه های مذکور بود. معماری شکل گرفته در این جریان، تلخیقی از معماری سبک بین الملل و بوم گرایی بود. اکثر آثار این جریان را تحت تاثیر اندیشه ها و مباحث مطرح شده اروپای بعد از مدرن و مباحث مطرح شده در پست مدرن می دانند (بانی مسعود، ۱۳۹۴). گرایش ها و سبک های معماری دوره پهلوی دوم در جدول زیر به شرح دسته بندی می شود:

جدول ۱: گرایش ها و سبک های معماری دوره پهلوی دوم (منبع: نگارنده با الهام از کتاب معماری معاصر ایران)

معماری اسلامی و سنت گرایی	مفاهیم معماری اسلامی، گرایش به معماری
معماری دوره	تاریخ گرا و معماری ساسانی
پهلوی دوم	استفاده از مفاهیم معماری مدرن و سبک بین الملل
معماری مدرن	معماری شبه مدرنیسم ایرانی
معماری مدرن	گرایش به تاریخ گرایی و بوم گرایی در قالب معماری مدرن

۵. تحلیل بناهای عمومی پهلوی دوم

جو غالب معماری ایران در دوره پهلوی اول، آبشخور سه جریان معماری بود: معماری اواخر قاجار، مدرنیسم و سبک نئوکلاسیک باستانگرا (سبک ملی). این جریانات در دوره پهلوی دوم، به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن تبدیل می شود. معماری مدرن شکل گرفته در این دوره، عمدتاً از مجرای کارهای معماران و اندیشه های جریان ساز اروپا از جمله: سبک بین المللی، مدرسه باهاوس، کارهای لوکوربوزیه، فرانک لوید رایو، ریچارد نیوترا، آلوار آلتو، جمیز استرلینگ و غیره حمایت می شود. و ماحصل آن صورت ایرانی معماری مدرن بود

^۱Le Corbusier

^۲Frank Lloyd Wright

^۳Richard Joseph Neutra

^۴Hugo Alvar Henrik Aalto

^۵Sir James Frazer Stirling

^۶Bauhaus

^۷Richard Joseph Neutra

که با عنوان معماری نامگذاری گردید. جریانی موازی با جو غالب معماری مدرن ایران که عمدتاً از طریق معماران تحصیلکرده ایرانی چه در خارج از کشور و چه فارغ التحصیلان دانشگاه تهران حمایت می شد، بین دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی شکل گرفت، که شدیداً تحت تأثیر جو جریانات روشنفکری ایران دهه های مذکور بود. این دوران، اوج گرمی بازار بومی گرایی و تاریخ گرایی در در محافل علمی کشور بود و عمدتاً از دو عامل مهم حمایت میشد: عامل اول، محدودیتهایی که در زمینه فعالیتهای سیاسی و آزادی بیان در ایران از اواسط دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به بعد وجود داشت، سبب شده بود روشنفکرانی که رفتار و سیاستهای نظام اقتدارگرا را بر نمی تابیدند، جویای راهها و شیوههای غیرمستقیم برای مخالفت خود با حکومت باشند. عامل دوم اینکه موفقیت جنبشهای جوامع جهان سوم در مقابله با قدرتهای غربی، خود، انگیزه نیرومندی برای این گروه از روشنفکران در ادامه راه و اصرار بر گفتمانشان فراهم آورده بود (نبوی، ۱۳۸۹، ۲۵) (افشاری و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به طبقه بندی گرایشهای معماری این دوره، می توان بناهایی را از هر دوره به شرح زیر عنوان کرد:

۶. جمع بندی عناصر هویت کالبدی در بناهای دوره دوم پهلوی

جدول ۲: جمع بندی بناها و عوامل هویت ساز در بناها (منبع: نگارنده)

نام بنا	توضیحات	عوامل کالبدی هویت در بناهای عمومی	عکس بنا
ساختمان سنا	کاخ سنا یا ساختمان مجلس سنا (از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۰ ساختمان مجلس شورای اسلامی) در میان سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۷.	خوانایی و وضوح: طراحی ورودی شاخص	
موزه فرش	موزه فرش ایران در خیابان کارگر شمالی تقاطع دکتر فاطمی یا به عبارتی دیگر در ضلع شمال غربی پارک لاله و در فضایی به وسعت ۱۲۰،۰۰۰ متر مربع واقع شده است.	انعطاف پذیری: استفاده از نمادها و نشانه ها در فرم خارجی	
پارک و فرهنگسرای یوسف آباد	پارک شفق یا بوستان شفق مربوط به دوران محمدرضا شاه پهلوی است و به دست کامران دیبا در تهران، خیابان جمالالدین اسدآبادی (یوسف آباد)، کوچه	انعطاف پذیری: طراحی فضاهای نیمه باز و باز در سایت، سازگار با کاربری های متفاوت	

شهید قنبری (نوزدهم) واقع شده است

موزه هنر های معاصر در سال ۱۳۵۶ خورشیدی (۲۲ مهر ۱۹۷۷ میلادی) به کوشش و ابتکار فرح پهلوی و با پشتیبانی دفتر مخصوص شهبانو، در گوشه غربی پارک فرح (بوستان لاله کنونی) در خیابان امیرآباد شهر تهران بنا شد. بنای موزه را کامران دیبا در سبک معماری مدرن و با الهام از بادگیرهای کویری ایران طراحی کرد.



معماریهای تاثیر

برج آزادی (برج شهید) برج آزادی که پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، به نام برج شهید شناخته می‌شد، اصلی‌ترین نمادهای شهر تهران است و تقریباً در همه جای جهان ایران را با این نماد می‌شناسند. در سال ۱۳۴۹ خورشیدی، توسط حسین امانت، معمار ایرانی، طراحی و توسط مهندس محمد پورفتحی ساخته شد. برج شهید، به عنوان نماد «ایرانِ مدرن»



های عمومی م

تئاتر شهر تهران مجموعه تئاتر شهر در سال ۱۳۴۶ توسط علی سردارافخمی یکی از شاگردان هوشنگ سیحون طراحی شد و ساخت آن پنج سال به طول انجامید



دوره پهلوی دوم)

۷. هویت کالبدی در معماری معاصر دوران پهلوی دوم

. معماری پهلوی دوم در قلمرو مثلث تأثیر فرهنگ و تمدن غرب، میراث تاریخی ایران با نقش پررنگ معماری قبل و بعد از اسلام و برآمدن معماری از بطن این دوره، قاب تعریف است در این دوره که عصر طلایی معماری مدرن در ایران است، معمارانی چون لویی کان و حسن فتحی، ارزش و تجربیات تاریخی در معماری گذشته را مطرح کردند و بدی ترتیب معمارانی با دید نوستالژیک نسبت تبه معماری سنتی به باززند هسازی این معماری از نظر طرح و اجرا پرداختند

در اواخر دههٔ چهل، دستیابی به هویت ایرانی نزد این معماران با تفحص در اصول معماری سنتی و الهام گرفتن از آن امکان پذیر شد بدین ترتیب تلفیق معماری گذشته و معاصر ایران به صورت بدیع و جدید در سبک نوگرایی ایرانی ظاهر شد. در این سبک، فرمهای سنتی و معماری گذشتهٔ ایران دیگر ب هعنوان زینت برای ساختمانهای مدرن مورد استفاده قرار نگرفت، بلکه معمار از ابتدا سعی در تلفیق و نمایش هر دو جنبهٔ فرهنگ بومی ایران و خصوصیات جهانی عصر مدرن در کالبد فیزیکی بنا را داشته است.

دوره	سال	گرایش های معطوف به معماری سنتی ایران	شاخص های برگرفته از معماری سنتی ایران	نوع جریان هویت گرای
	۱۳۵۷-۱۳۲۰	نوگرایی ایرانی	-انتخاب ایدهٔ طراحی باتوجه به ویژگی فرهنگی و تاریخی ایران - تلفیق بدیع سبک معماری مدرن با شیوهٔ معماری تاریخی ایران در طرح کالبدی بنا - بازخوانی ارزش های معماری ایران - استفاده از تزیینات شیوه های معماری تاریخی ایران - به روز نمودن نماهای تاریخی برای عملکردها و مفاهیم جدید	الگویی

از بررسی فوق چنان برمی آید که دربارهٔ به کارگیری الگوها در طراحی کالبدی بنا، دو موضوع تأثیرگذار بوده است:

الف. قرابت کارکردی فضاها؛

ب. ایدهٔ طراح در جهت خلق کیفیت فضایی منحصر به فرد؛

معماری الگوگرا به دلیل ماهیت پیونددهنده و اصالت بخش خود، با چالش‌های متعددی در زمینه به روز آوردن گذشته مواجه است. برای ترفیع این دغدغه، با بررسی دقیق کالبدی آثار معماری الگوگرا ویژگیهای ضروری برای طراحی معماری الگوگرای موفق، به شرح زیر معرفی می شود:

الف. توجه به الگوی مناسب برای هر نیاز امروزی از معماری و شهرسازی سنتی؛
ب. توجه به زمینه های فرهنگی، اجتماعی و قواعد معماری تاریخی یا بومی و نزدی کردن امروز و گذشته ب هم؛

ج. اصالت بخشی به فرمهای تاریخی و حتی روشهای ساخت سنتی؛

د. تلاش برای ترکیب زندگی جدید با شیوه های سنتی؛

ه. ترکیب محتاطانه مصالح سنتی و مدرن در نما؛

و. به کارگیری محتاطانه فناوری و امکانات مدرن.

در کنار موارد مذکور که بیشتر بر جوانب کالبدی تمرکز داشته اند، چگونگی تجلی کیفیت فضایی معماری سنتی ایران از دیگر دغدغ های طراحی این گونه معماری است. کیفیتی که دربرگیرنده آن، انباشت ذهنی و حافظه تاریخی بوده و با تبلور در معماری، تکلم پذیری فضا برای انتقال پیام را عهده دار شود. مراد از این کیفیت نهفته، نظام فضایی معماری ایرانی است .

بناهای علمی فرهنگی و مذهبی، به دلیل اهمیت موضوع و نوع نگاه معناگرایانه و غالباً تاریخ گرایانه آن، غالباً از جانب معماران و مخاطبان بناهایی شایسته برای به کارگیری گونه معماری الگوگرا هستند

غالب معماری ایران در دوره پهلوی اول، آبخشور سه جریان معماری بود: معماری اواخر قاجار، مدرنیسم و سبک نئوکلاسیک باستان‌گرا (سبک ملی). این جریانات در دوره پهلوی دوم، به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن تبدیل می‌شود. معماری مدرن شکل گرفته در این دوره، عمدتاً از مجرای کارهای معماران و اندیشه‌های جریان ساز اروپا از جمله: سبک بین‌المللی، مدرسه باهوس، کارهای لوکوربوزیه، فرانک لوید رایت، ریچارد نویترا، جیمز استرلینگ و غیره حمایت می‌شد. و ماحصل آن صورت ایرانی معماری مدرن بود که به عنوان معماری «شبه مدرنیستی» نام گذاری گردیده است.

منطقه‌گرایی تلاشی در جهت برگرداندن آن چیزی به معماری است که مدرنیسم اولیه از معماری حذف کرد، یا به بیانی دیگر تلاش در جهت حفظ و ایجاد تداوم بین شکل ساختمانی حال و مکانی مفروض است.

- نمود فناوری مدرن
- بیان استعاره ای فرم
- هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی
- توجه به ویژگی های سایت
- توجه به اصول معماری ایرانی و اسلامی
- بکارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی
- الهام از مفاهیم خاص منطقه ای

جدول ۳: شاخصه های معماری منطقه گرا (تحلیلی-مورد استفاده در پژوهش)

مثال	توضیحات	شاخصه های معماری منطقه گرا
	استفاده از فناوری های مدرن در سایه - معماری سنتی ایران	نمود فناوری مدرن
۱. طاق یا قوس	۱: اشاره به موضوعات عینی	بیان استعاره ای فرم
۲. مفاهیم سرمایه داری، فقر، قدرت و یا فناوری	۲: اشاره به مفاهیمی خاص در معماری که از طریق فرم کالبد، سبک و مصالح بنا قابل فهم است.	
۳. فرم چادر منار، گنبد و فضاهایی نظیر حیاط، گودال باغچه و...	۳: اشارات سمبلیک به برخی فرم‌ها و فضا هایی که ریشه در فرهنگ منطقه ای و سنت های معماری آن دارند.	
استفاده از مصالح مناسب اقلیم سرد	هماهنگی و تطبیق با شرایط اقلیمی و توجه به بهره گیری از انرژی های موجود در محیط	هماهنگی فعال با شرایط اقلیمی

توجه به ویژگی های هماهنگی میان بنا و محیط کالبدی اطراف برج آزادی تهران
سایت

توجه به اصول معماری ایرانی و اسلامی	۱. در چهارچوب استفاده از عناصر تزئینی و نقوش و موتیف های ایرانی اسلامی	۱. (هندسه) برج آزادی
بکارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی	۲. شکل گیری ساختار مفاهیم و ایده فضایی بر اساس اصول معماری ایرانی اسلامی.	۲. سلسه مراتب فضایی (دانشگاه امام صادق تهران، موزه هنر های معاصر تهران)،
بکارگیری جزئیات، مصالح و تزئینات بومی	۳. درونگرایی (بانک ملی اصفهان، موزه هنر های معاصر)	۳. درونگرایی (بانک ملی اصفهان، موزه هنر های معاصر)
توجه به عناصر خرد مقیاس نظیر مصالح	۴. تقارن و محوریت (برج آزادی، دانشگاه امام صادق)	۴. تقارن و محوریت (برج آزادی، دانشگاه امام صادق)
توجه به عناصر خرد مقیاس نظیر مصالح، آرایه بندی و جزئیات	توجه به عناصر خرد مقیاس نظیر مصالح، آرایه بندی و جزئیات	مصالح مورد استفاده بناها
توجه به روح مکان	توجه به روح مکان	موزه فرش تهران
درک تقدس مفاهیم و اشیاء در مناطق مختلف	درک تقدس مفاهیم و اشیاء در مناطق مختلف	(الهام از دار قالی)

با توجه به تحلیل نمونه های در نظر گرفته شده معماری این دوره از تاریخ ایران دارای مولفه های معماری منطقه گرا است. تحلیل برخی از آثار شاخص این دوره، مفاهیمی نظیر نمود فناوری مدرن، توجه به بستر طراحی، استعاره های فرمی، توجه به اصول معماری ایرانی و اسلامی، در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، بکارگیری مصالح و آرایه های بومی و الهام از مفاهیم خاص منطقه ای را دربر دارد که به عنوان شاخصه های در نظر گرفته شده در طراحی و معماری پهلوی دوم است. این شاخصه ها دارای نقاط اشتراک معماری این دوره و معماری منطقه گرا است. نتایج این پژوهش نشان از تلاش معمار در جهت تعامل طرح و بستر طراحی و سعی بر ایجاد جنس خاصی از معماری است که دارای مؤلفه های معماری منطقه گرا است.

- الکساندر ، کوین ، معماری و راز جاودانگی : راه بی زمان ساختن ، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی ، دانشگاه شهید بهشتی تهران ، ۱۳۸۱
- افشاری و کلهرنیا و نوری ، نورمحمد و بیژن و سید علی ، تحلیل کیفی بناهای عمومی معماری معاصر ایران در دوره پهلوی دوم با رویکرد تکتونیک معماری ، ۱۳۹۹
- امین زاده و دادرس ، بهناز و راحله ، بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تاکید بر گردشگری شهری ، ۱۳۹۱ ، نشریه مطالعات معماری ایران
- بانی مسعود ، امیر ، معماری معاصر ایران ، ناشر هنر معماری قرن ، ۱۳۹۴
- بهزاد فر . هویت شهر . نگاهی به هویت شهر تهران . انتشارات شهر . چاپ اول تهران . ۱۳۸۶
- بزرگرمسعود . شهرسازی و ساخت شهر ، شیراز ، کوشا مهر ، ۱۳۸۸
- بتلی ای ی . محیط های پاسخده . ترجمه مصطفی بهزاد فر . تهران . دانشگاه علم و صنعت . ۱۳۸۲
- پاکزاد ، ج . عناصر و کیفیت های منظر یک فضای شهری ، دو فصلنامه آبادی ، ۱۳۸۵ ، شماره ۳۷
- پیران ، پرویز ، هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده ، ۱۳۸۴ ، نشریه آبادی
- پورجعفر ، محمدرضا ، نگاهی به هویت شهر ، دانشگده هنر ، دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۷
- جنکنز ، ر . هویت اجتماعی ، ترجمه تورج یاراحمدی ، تهران ، نشر شیرازه ، ۱۳۸۱
- قاسمی ، معصومه ، الگوی هویت پایدار معماری ، مبتنی بر طراحی فرایندی ، ۱۳۹۳
- کیانی ، مصطفی ، معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه ها، پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۲۰ - ۱۲۹۹ ، ۱۳۸۳ ، ناشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- لینچ . ک. تئوری شکل خوب شهر . ترجمه حسین بحرینی . تهران و انتشارات دانشگاه تهران . ۱۳۹۰
- میرمقتدایی ، مهتا ، ۱۳۹۰ ، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها ، نشریه هنرهای زیبا
- نجفی ، عمادالدین ، ۱۳۹۶ ، بررسی مفهوم هویت در معماری ، دومین همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری
- یوسفی ، سارا ، ۱۳۹۳ ، هویت در معماری ، همایش ملی معماری ، عمران و توسعه نوین شهری

Buttimer Anne/ David Seamon (1980), the Human Experience of Space and Place, Oxford, London.

Norberg- Schulz, C, (۲۰۱۵), Genius Loci: toward a phenomenology of architecture, Rizzoli, New York.

Rapoport, Amos, (۱۹۸۲), The Meaning of the Built Environment, A Nonverbar communication Approach, SAGE.